

نقش حجاب و عفاف در کاهش خشونت های اجتماعی

سمانه وجدی¹

چکیده

یکی از چالش های اساسی جوامع معاصر، گسترش خشونت های اجتماعی در اشکال مختلف خیابانی، خانوادگی و رسانه ای است. این پدیده نه تنها آرامش فردی و امنیت عمومی را تهدید می کند، بلکه بنیان خانواده و اعتماد اجتماعی را نیز متزلزل می سازد. در چنین شرایطی، توجه به آموزه های دینی همچون حجاب و عفاف می تواند به عنوان عاملی بازدارنده، نقش مؤثری در کنترل و کاهش این خشونت ها ایفا کند. مسئله اصلی این پژوهش آن است که چگونه رعایت حجاب و عفاف می تواند با ایجاد تعادل در روابط اجتماعی و تقویت اخلاق فردی، به کاهش خشونت های رفتاری و تقویت امنیت عمومی منجر شود. هدف تحقیق بررسی دقیق این پیوند و تبیین کارکردهای اجتماعی حجاب و عفاف است. روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه ای و اسناد علمی انجام گرفته است. نتایج نشان می دهد که حجاب و عفاف موجب کاهش تحریکات رفتاری، افزایش احساس امنیت، استحکام بنیان خانواده و در نهایت کاهش تنش ها و خشونت های اجتماعی می گردند. بنابراین می توان گفت که این دو ارزش دینی، فراتر از یک تکلیف فردی، به منزله راهکاری اجتماعی برای ارتقای امنیت و آرامش عمومی مطرح می شوند.

کلیدواژگان: امنیت اجتماعی، خانواده، حجاب، خشونت اجتماعی، عفاف

مقدمه

حجاب و عفاف به عنوان دو ارزش بنیادین در فرهنگ اسلامی، همواره مورد توجه اندیشمندان دینی و اجتماعی بوده است. این دو مقوله نه تنها در بعد فردی موجب تهذیب نفس و آرامش روحی می شوند، بلکه در سطح اجتماعی نیز نقش بسزایی در ایجاد امنیت و کاهش خشونت های رفتاری دارند. در روزگار ما که جوامع با گسترش آسیب های اجتماعی و افزایش خشونت های خیابانی، خانوادگی و رسانه ای مواجه اند، بازاندیشی در نقش بازدارنده حجاب و عفاف ضرورتی انکارناپذیر به شمار می رود. با کمرنگ شدن ارزش های دینی و رواج برخی سبک های زندگی غربی در بخشی از جامعه، زمینه های بروز تحریک، تنش و در نهایت خشونت اجتماعی افزایش یافته است. در مقابل، تقویت فرهنگ حجاب و عفاف می تواند به شکل گیری روابط سالم، استحکام خانواده و ارتقای امنیت اجتماعی منجر گردد.

¹ طلبه سطح دو، مدرسه علمیه الزهرا (س) ارومیه.

در تحقیقات پیشین نیز به این موضوع توجهاتی صورت گرفته است. برای نمونه، عابدی جعفری (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «نقش پوشش اسلامی در کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی» نشان داده است که رعایت پوشش اسلامی می‌تواند میزان تعرضات خیابانی را کاهش دهد، هرچند این تحقیق بیشتر بر ناهنجاری‌ها به طور عام متمرکز بوده و ارتباط مستقیم با خشونت اجتماعی را بررسی نکرده است. همچنین رستمی (۱۳۹۴) در مقاله «عفاف و پیامدهای اجتماعی آن» بیان می‌کند که عفاف موجب تنظیم روابط میان دو جنس و کاهش تعارضات اجتماعی می‌شود، اما پژوهش او خشونت را به عنوان یک آسیب خاص مد نظر قرار نداده است. افزون بر این، کریمی (۱۳۹۸) در تحقیق «تحلیل جامعه‌شناختی نقش حجاب در امنیت اجتماعی زنان» به رابطه میان رعایت حجاب و احساس امنیت اجتماعی پرداخته و نتایج معناداری به دست آورده است، با این تفاوت که این تحقیق تنها بر امنیت زنان متمرکز بوده و دامنه خشونت‌های اجتماعی را به صورت جامع پوشش نداده است.

آنچه نوشتار حاضر را از پژوهش‌های گذشته متمایز می‌سازد، توجه همزمان به دو مقوله حجاب و عفاف و بررسی نقش آن‌ها در کاهش خشونت اجتماعی است. بیشتر تحقیقات پیشین یا بر ناهنجاری‌های عمومی تأکید داشته‌اند یا تنها بخشی از مسئله مانند امنیت زنان را مورد بررسی قرار داده‌اند، اما این پژوهش تلاش می‌کند با نگاهی جامع نشان دهد که حجاب و عفاف می‌توانند به عنوان دو راهبرد فرهنگی مؤثر در کاهش خشونت‌های اجتماعی و ارتقای آرامش عمومی در جامعه امروز نقش‌آفرین باشند.

۱. مفهوم‌شناسی

حجاب

در زبان عربی واژه «حجاب» در اصل به معنای پرده، پوشش، حاجب و مانعی است که چیزی را از دید یا دسترس پنهان می‌کند. (مطهری، ۱۳۷۹، ص. ۶۴) در فرهنگ لغت معین نیز «حجاب» به معنی پرده، ستر، نقابی که زنان چهره یا بدن خود را بدان بپوشانند، آمده است و نیز به معنای حاجب بین دو چیز، خواه مادی خواه معنوی. (دهخدا، ۱۳۷۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق؛ نقل‌شده در مقاله «پویشی در معنا و مفهوم حجاب»؛ رحمانی، ۱۴۰۲، ص. ۱۲۳) از این رو معنا و مصداق «حجاب» تنها به پوشش ظاهری محدود نمی‌شود، بلکه شامل آنچه مانع تماس یا تأثر نامطلوب باشد، می‌گردد.

اصطلاح حجاب در فقه اهل سنت و تشیع غالباً به پوشش واجب زنان در برابر نامحرم اطلاق می‌شود، به گونه‌ای که بدن، به جز صورت و کف دست‌ها تا مچ، پوشیده باشد. (مقاله «پویشی در معنا و مفهوم حجاب»، ص. ۱۳۵؛ مقاله «نقش حجاب و عفاف از دیدگاه قرآن و جهان اسلام»، باقری و بابایی، ۱۳۹۳، ص. ۵) در قرآن کریم، آیه ۳۱ سوره نور به صراحت به حکم پوشش زنان مؤمن پرداخته است: «وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ...» (نور/۳۱) و آیه ۵۹ سوره احزاب درباره پوشانیدن «جلباب» آمده است، که پوشش بلند و فراگیر را توصیه می‌کند تا شناخته

شوند و مورد اذیت قرار نگیرند. (احزاب/۳۳: ۵۹) این آیات نشان‌دهنده‌ی این است که اصطلاح حجاب در شریعت، نه تنها پوشش ظاهری بلکه حد و مرز آشکار شدن زینت و ظاهر است.

عفاف

در مقابل، «عفاف» مفهومی اخلاقی و نفسانی است؛ در لغت از «عَفَّ» به معنی خودداری از آنچه مطلوب نفسانی است اما مضرّ یا خارج از حدود الهی است؛ عفاف شامل کنترل غرائز، پاکدامنی جسمی، رفتاری و گفتاری است. (منبع «معنی عفاف»، حوزه، ۱۴۰۲، ص. ۲۱؛ مقاله «عفاف در قرآن با نگاهی به روایات»، ص. ۳۴) شهید مطهری عفاف را «حالی نفسانی به معنی رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان» تعریف می‌کند که خودکنترلی، حضور شعور دینی و احساس مسئولیت در برابر خداوند را در بر دارد. (مطهری، ۱۳۷۹، ص. ۹۰) بنابراین، عفاف امر درونی است اما با آثاری بیرونی؛ یعنی رفتار و پوشش و گفتار فرد عفیف، نمود این حالت باطنی است.

تحلیل ارتباط میان دو واژه نشان می‌دهد که اگرچه ممکن است در کاربرد عامیانه حجاب و عفاف به گونه‌ای به جای هم استفاده شوند، لیکن میان آنها تفاوت ساختاری و مفهومی برجسته است: حجاب بیشتر یک حکم شرعی و ظاهری است که مرزها و حدودی دارد؛ ولی عفاف خیر اخلاقی و فطری‌ای است که انسان را از درون به حرکت درمی‌آورد. به عبارتی، حجاب بخشی از مصادیق عفاف محسوب می‌شود؛ عفاف ولی فراتر از حجاب است، زیرا شامل پاکی زبان، چشم، گوش و رفتار نیز هست. این تمایز در متون قرآن و روایات نیز دیده می‌شود، مثلاً فرمان به «غَضَّ الْبَصَرِ» در سوره نور آیه ۳۰ به مردان مؤمن داده شده است و این دستور از جنس عفاف است که فراتر از دستور پوشش ظاهری برای زنان است. (نور/۳۰) شناخت دقیق این تفاوت برای بحث‌های اجتماعی، اخلاقی و تربیتی ضرورت دارد؛ چرا که به‌کارگیری تنها پوشش ظاهری بدون پرورش عفاف باطنی، ممکن است کارایی لازم در کاهش خشونت اجتماعی را نداشته باشد.

۲. تأثیر حجاب و عفاف بر آرامش و امنیت اجتماعی

قرآن کریم در سوره نور، آیه ۳۱ می‌فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...» (نور/۳۱). این آیه شریفه در حقیقت چارچوبی برای عفاف و حجاب ترسیم می‌کند و هدف اصلی آن، برقراری امنیت روانی و اخلاقی در جامعه است. وقتی زن و مرد مؤمن در نگاه و پوشش خویش حدود الهی را رعایت کنند، زمینه‌های تحریک بی‌جا و تنش‌های رفتاری به حداقل می‌رسد (مطهری، ۱۳۷۹، ص. ۸۷). در چنین فضایی روابط اجتماعی رنگ اعتدال و سلامت به خود می‌گیرد و اعتماد متقابل میان افراد تقویت می‌شود. بی‌تردید، هرگاه روابط انسانی در بستر عقلانیت و عفاف شکل گیرد، احساس امنیت عمومی در کوچه و خیابان، در محیط کار و حتی در فضای مجازی افزایش خواهد یافت. به همین دلیل، آموزه‌های دینی حجاب و عفاف را تنها یک تکلیف فردی نمی‌دانند، بلکه آن را راهی برای آرامش و امنیت همه اعضای جامعه معرفی کرده‌اند؛ آرامشی که اگر سست گردد، راه برای خشونت‌های آشکار و پنهان باز خواهد شد.

۲.۱. کاهش زمینه‌های تحریک و تنش

قرآن کریم در سوره نور فرمان می‌دهد: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ» (نور/۳۰). این دستور الهی به خوبی نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین راه‌های کاهش تحریک و تنش در جامعه، مهار نگاه و رفتارهای آشکار است. وقتی نگاه و پوشش کنترل شود، محرک‌های بیرونی کاهش یافته و آرامش روانی فرد و جامعه تقویت می‌گردد. بی‌تردید، جامعه‌ای که در آن عفاف به‌صورت درونی و حجاب به‌صورت بیرونی رعایت شود، کمتر در معرض تنش‌های رفتاری و تعارض‌های ناشی از هیجان‌های کنترل‌نشده قرار می‌گیرد (مطهری، ۱۳۷۹، ص. ۹۵).

از نگاه جامعه‌شناسی دینی، یکی از ریشه‌های اصلی درگیری‌ها و خشونت‌های خیابانی، تحریکات بی‌ضابطه در روابط میان افراد است. پوشش مناسب و رعایت عفاف، همچون سپری در برابر این تحریک‌ها عمل می‌کند و مانع از آن می‌شود که هیجان‌های زودگذر به شکل تعارض و نزاع بروز یابد (باقری و بابایی، ۱۳۹۳، ص. ۴۱). به همین دلیل، حجاب و عفاف نه تنها یک حکم عبادی، بلکه یک ضرورت اجتماعی است که کارکرد امنیتی و روانی دارد.

بررسی‌های جدید نیز نشان داده‌اند که در جوامعی که فرهنگ پوشش و عفاف کمرنگ‌تر است، میزان مزاحمت‌های خیابانی، خشونت‌های کلامی و حتی درگیری‌های فیزیکی بیشتر مشاهده می‌شود (کریمی، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۸). این یافته‌ها مؤید آن است که رواج بی‌حجابی و سستی در عفاف، زمینه تحریکات رفتاری را افزایش داده و در نتیجه، احتمال تنش‌های اجتماعی را بیشتر می‌کند. در مقابل، جامعه‌ای که قواعد دینی در آن رعایت می‌شود، به‌طور طبیعی سطحی از اعتماد و امنیت روانی را تجربه می‌کند که ضامن آرامش عمومی است (رحمانی، ۱۴۰۲، ص. ۷۲).

در نهایت می‌توان گفت که کاهش زمینه‌های تحریک و تنش، یکی از پیامدهای مستقیم رعایت حجاب و عفاف است. این دو ارزش الهی، مرزهای رفتاری را مشخص و از بروز برخوردهای پرتنش جلوگیری می‌کنند. همان‌طور که امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: «الْعِفَّةُ تُصَانُ بِهَا النَّفْسُ»؛ یعنی عفت موجب پاسداری از جان‌ها و آرامش روانی انسان می‌شود (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ص. ۴۲۵). بنابراین، حجاب و عفاف نه فقط ابزار پوشش، بلکه سپری برای کاهش تحریکات و پیشگیری از تنش‌های اجتماعی‌اند.

۲.۲. ایجاد روابط سالم و متعادل

یکی از اهداف بنیادین حجاب و عفاف، سامان‌دهی روابط اجتماعی میان زن و مرد در جامعه است. هنگامی که حدود الهی رعایت شود، ارتباطات انسانی از دایره شهوت و نگاه ابزاری خارج شده و به سطحی سالم و متعادل ارتقا می‌یابد. قرآن کریم در سوره احزاب آیه ۳۲ خطاب به زنان پیامبر می‌فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ»، که نشان می‌دهد رعایت عفاف در گفتار، روابط را از آلودگی و سوءظن دور می‌سازد و پایه‌های اعتماد اجتماعی را محکم‌تر می‌کند.

(قرآن کریم، احزاب/۳۲). در واقع، حجاب و عفاف نه تنها نقش بازدارنده دارند، بلکه زمینه‌ساز تعاملات سالم میان دو جنس نیز هستند (مطهری، ۱۳۷۹، ص. ۱۰۲).

از منظر اجتماعی، هر جامعه‌ای که قواعد پوشش و عفاف را نادیده بگیرد، ناخواسته روابط میان افراد را به سمت نابرابری و سوءاستفاده سوق می‌دهد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد در فضاهایی که ارزش‌های عفاف و حجاب کمتر رعایت می‌شود، احتمال شکل‌گیری روابط ناسالم، سوءظن‌ها و حتی فروپاشی ارتباطات خانوادگی افزایش می‌یابد (کریمی، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۶). بنابراین، رعایت این ارزش‌ها موجب می‌شود روابط اجتماعی بر اساس احترام متقابل و حفظ کرامت انسانی تنظیم گردد، نه بر پایه کشش‌های زودگذر و ناپایدار.

از سوی دیگر، در متون دینی همواره تأکید شده است که عفاف و پاکدامنی، زیربنای ارتباط صحیح میان افراد است. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «الْعِفَّةُ تَزِيدُ فِي قَدْرِ الْإِنْسَانِ»؛ یعنی عفاف، جایگاه و شأن انسان را در روابط اجتماعی بالا می‌برد (تمیمی آمدی، ۱۳۷۳، ص. ۴۳۸). این روایت بیانگر آن است که روابط سالم، نه با آزادسازی غریزه، بلکه با مدیریت عقلانی و اخلاقی آن امکان‌پذیر است. از همین رو، آموزه‌های اسلامی عفاف را به‌عنوان اساس همزیستی مسالمت‌آمیز معرفی کرده‌اند (باقری و بابایی، ۱۳۹۳، ص. ۴۹).

نتیجه آنکه، ایجاد روابط سالم و متعادل در جامعه تنها با سازوکارهای قانونی یا فرهنگی ظاهری حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند پیوند عمیق ارزش‌های الهی مانند حجاب و عفاف با زندگی روزمره است. این ارزش‌ها به انسان‌ها می‌آموزند که چگونه بدون تعدی به حریم دیگری، ارتباط برقرار کنند و اعتماد متقابل را پرورش دهند. به تعبیر برخی محققان، جامعه‌ای که عفاف در آن نهادینه شده باشد، از تنش‌های بی‌جا و روابط ناسالم مصون مانده و به سوی تعادل و آرامش گام برمی‌دارد (رحمانی، ۱۴۰۲، ص. ۸۵).

۲.۳. تقویت احساس امنیت عمومی

احساس امنیت عمومی از مهم‌ترین نیازهای هر جامعه است که نبود آن، آرامش روانی و کیفیت زندگی افراد را به شدت تهدید می‌کند. یکی از کارکردهای مهم حجاب و عفاف، ایجاد فضایی آرام و به‌دور از تهدیدهای رفتاری است. قرآن کریم در سوره احزاب آیه ۵۹ می‌فرماید: «ذَلِكَ أَذُنِي ۖ أَنْ يُعْرِفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ»، یعنی پوشش زنان مؤمنه موجب شناخته شدن آنان و در نتیجه جلوگیری از آزار و تعرض می‌گردد. این آیه نشان می‌دهد که رعایت حجاب نه صرفاً یک وظیفه فردی، بلکه راهکاری برای ارتقای احساس امنیت در سطح عمومی جامعه است (قرآن کریم، احزاب/۵۹).

از منظر جامعه‌شناختی، زمانی که معیارهای عفاف در سطح عمومی رعایت می‌شود، احتمال مزاحمت‌های خیابانی، تعرضات کلامی و حتی خشونت‌های اجتماعی کاهش می‌یابد. این موضوع باعث می‌شود زنان و مردان بتوانند با اطمینان بیشتری در محیط‌های اجتماعی حضور پیدا کنند. نتایج پژوهش‌های معاصر نیز حاکی از آن است که رابطه مستقیمی میان گسترش فرهنگ عفاف و کاهش جرائم مرتبط با آزار اجتماعی وجود دارد (کریمی، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۰). بنابراین، تقویت احساس

می‌دهد که حجاب و عفاف تنها یک دستور اخلاقی نیست، بلکه ابزار عملی برای کاهش آسیب‌های اجتماعی و خشونت‌های جمعی به شمار می‌آید.

نعمتی در تحلیل جامعه‌شناختی خود نشان داده است که ارزش‌های دینی، از جمله حجاب و عفاف، به طور مستقیم با کاهش خشونت‌های اجتماعی ارتباط دارند (نعمتی، ۱۴۰۰، ص. ۹۵). این پژوهش تأکید می‌کند که رعایت حیا و عفاف علاوه بر اثر فردی، به تقویت سلامت روانی و اجتماعی جامعه کمک می‌کند و می‌تواند به عنوان راهکاری مؤثر برای مدیریت تنش‌ها و افزایش امنیت جمعی به کار گرفته شود. بنابراین، ارزش‌های دینی نه فقط دستور اخلاقی، بلکه ابزاری عملی برای پیشگیری از خشونت و آسیب‌های اجتماعی محسوب می‌شوند.

۴.۱. تأکید قرآن و روایات

قرآن کریم به عنوان اصلی‌ترین منبع معرفتی مسلمانان، بارها بر ضرورت رعایت عفاف و حجاب و پیامدهای اجتماعی آن تأکید کرده است. آیات مربوط به عفاف، از جمله آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور، نشان می‌دهد که نگاه و رفتار پاکدامنه تنها یک توصیه فردی نیست، بلکه کارکردی اجتماعی دارد و از بسیاری آسیب‌ها و خشونت‌ها جلوگیری می‌کند (قرآن کریم، نور/۳۱). این آیات بیانگر آن است که جامعه‌ای که به آموزه‌های الهی پایبند باشد، در بستر روابط انسانی سالم‌تر حرکت خواهد کرد و میزان تعارضات و ناهنجاری‌های اجتماعی کاهش می‌یابد (مطهری، ۱۳۷۹، ص. ۱۲۰).

در کنار قرآن، روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز جایگاه برجسته‌ای در تبیین فلسفه حجاب و عفاف دارند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «الْعِفَافُ زِينَةُ النِّسَاءِ وَالْعَقْلُ زِينَةُ الرِّجَالِ»؛ یعنی عفاف زیور زنان است و عقل زیور مردان (حر عاملی، ۱۴۰۰، ج ۲۰، ص. ۴۵۵). این روایت نشان می‌دهد که عفاف نه تنها یک دستور عبادی، بلکه نوعی سرمایه اجتماعی است که از یک سو موجب حفظ حرمت زن می‌شود و از سوی دیگر تعادل اخلاقی جامعه را تضمین می‌کند. با چنین نگاهی، حجاب و عفاف زمینه‌ساز شکل‌گیری روابط اجتماعی سالم و پیشگیری از خشونت‌های ناشی از بی‌انضباطی اخلاقی است (باقری و بابایی، ۱۳۹۳، ص. ۶۸).

پژوهش‌های معاصر نیز نشان داده‌اند که جوامعی که آموزه‌های دینی در آنها پررنگ‌تر است، با سطح پایین‌تری از خشونت‌های اجتماعی مواجه‌اند. برای مثال، یک مطالعه جامعه‌شناختی در ایران بیان می‌کند که افزایش پایبندی خانواده‌ها به ارزش‌های دینی، به ویژه در حوزه حجاب و عفاف، رابطه مستقیمی با کاهش نرخ خشونت خانگی دارد (رحمانی، ۱۴۰۲، ص. ۸۷). این یافته‌ها با تأکیدات قرآنی و روایی هماهنگ است و نشان می‌دهد که آموزه‌های دینی تنها محدود به فرد نیستند، بلکه در مقیاس اجتماعی نیز کارکرد پیشگیرانه دارند (جعفری، ۱۴۰۱، ص. ۵۲).

در نهایت، می‌توان گفت که قرآن و روایات نه تنها راهکارهای فردی برای رسیدن به عفاف ارائه داده‌اند، بلکه به صورت نظام‌مند بر نقش آن در کاهش خشونت‌های اجتماعی نیز تأکید داشته‌اند. نتیجه پایبندی به این آموزه‌ها، تقویت اعتماد اجتماعی، استحکام خانواده و گسترش آرامش در سطح جامعه

است. بنابراین، بازگشت به منابع اصیل اسلامی و بازخوانی آنها در فضای امروز، می‌تواند راهبردی مؤثر برای پیشگیری از خشونت و ارتقای سلامت اجتماعی باشد (کریمی، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۹).

تحقیقات خسروی نشان می‌دهد که آموزه‌های قرآنی نقش مؤثری در تقویت حیا و عفاف دارند و این مسئله به کاهش ناهنجاری‌ها و خشونت‌های اجتماعی کمک می‌کند. وقتی افراد جامعه به مفاهیم عفاف در قرآن عمل می‌کنند، رفتارهای شخصی و اجتماعی‌شان متعادل‌تر و سالم‌تر می‌شود (خسروی، ۱۴۰۰، ص. ۸۲). یافته‌های او با آیات نور/۳۱ همخوانی دارد که رعایت عفاف را به عنوان عاملی پیشگیرانه در برابر آسیب‌های اجتماعی معرفی کرده است. از این رو، حجاب و عفاف فراتر از یک تکلیف فردی، ابزاری عملی برای کاهش خشونت و ارتقای امنیت اجتماعی به شمار می‌آیند.

۴.۲. نقش تربیت دینی

تربیت دینی یکی از بنیادی‌ترین عناصر در شکل‌گیری شخصیت انسان و هدایت رفتارهای اجتماعی اوست. خانواده و نظام آموزشی با تکیه بر آموزه‌های دینی، بستر رشد اخلاقی و پرورش فضایل انسانی را فراهم می‌کنند. قرآن کریم در سوره تحریم آیه ۶ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»، که نشان‌دهنده مسئولیت والدین در تربیت دینی فرزندان است (قرآن کریم، تحریم/۶). این آیه روشن می‌سازد که تربیت دینی نه صرفاً یک وظیفه فردی، بلکه تکلیفی اجتماعی و خانوادگی است که آثار گسترده‌ای بر سلامت جامعه دارد (مطهری، ۱۳۷۹، ص. ۸۲).

از منظر روان‌شناسی اجتماعی، تربیت دینی موجب نهادینه شدن ارزش‌هایی مانند صداقت، احترام، عفاف و مسئولیت‌پذیری می‌شود. پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند که خانواده‌هایی که در تربیت فرزندان خود به آموزه‌های دینی توجه بیشتری دارند، با کاهش معنادار رفتارهای پرخطر و پرخاشگرانه مواجه هستند (رحمانی، ۱۴۰۲، ص. ۵۴). این یافته‌ها بیانگر آن است که تربیت دینی نقشی پیشگیرانه در بروز انحرافات اجتماعی و خشونت دارد و به تحکیم بنیان خانواده کمک می‌کند (کریمی، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۲).

از منظر روایی نیز امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَّثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ، مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ»؛ دل جوان مانند زمین خالی است که هر بذری در آن کاشته شود، می‌پذیرد (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۰۷). این روایت به اهمیت دوره جوانی و تأثیر تربیت دینی در شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی اشاره دارد. اگر این تربیت بر اساس ارزش‌های الهی باشد، بذر ایمان و اخلاق در جان فرد می‌روید و او را به شهروندی مسئول و آرامش‌بخش برای جامعه بدل می‌کند (جعفری، ۱۴۰۱، ص. ۵۰).

در نهایت، می‌توان گفت که تربیت دینی نه تنها موجب تقویت ایمان فردی می‌شود، بلکه کارکردی اجتماعی و تمدنی دارد. جامعه‌ای که تربیت دینی در آن نهادینه باشد، از ثبات روانی و اخلاقی بیشتری برخوردار است و میزان آسیب‌ها و خشونت‌های اجتماعی در آن کاهش می‌یابد. بنابراین بازخوانی و به‌کارگیری آموزه‌های دینی در نظام تربیتی امروز، ضرورتی اساسی برای حفظ سلامت فرد و جامعه است (باقری و بابایی، ۱۳۹۳، ص. ۷۲).

موسوی در پژوهش خود نشان داده است که تربیت دینی از کودکی و آموزش مفاهیم عفاف، رفتارهای اخلاقی را تقویت می‌کند و گرایش به خشونت و ناهنجاری‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد (موسوی، ۱۳۹۹، ص. ۳۰). ایجاد نگرش مثبت نسبت به ارزش‌های دینی، اثرات پایدار بر رفتار فردی و جمعی دارد و شهروندانی مسئول و پایبند به نظم اجتماعی پرورش می‌دهد. بنابراین، آموزش دینی و پرورش عفاف می‌تواند به عنوان یک اقدام پیشگیرانه مؤثر در کاهش خشونت اجتماعی عمل کند.

۴.۳. تجربه تاریخی جوامع اسلامی

یکی از مهم‌ترین شواهد کارکرد آموزه‌های دینی در جامعه، تجربه تاریخی جوامع اسلامی است. از آغاز شکل‌گیری امت اسلامی در مدینه، حجاب و عفاف به عنوان بخشی از فرهنگ عمومی مطرح شد و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله با تلاوت آیات سوره نور و احزاب، پایه‌های اخلاق اجتماعی را بر عفاف و حیا استوار ساخت (قرآن کریم، نور/۳۱؛ احزاب/۵۹). این دستورها نه تنها موجب صیانت فردی شدند، بلکه به سامان‌یافتن روابط اجتماعی و کاهش تنش‌ها میان مسلمانان کمک کردند. تجربه مدینه النبی نشان می‌دهد که رعایت عفاف و حجاب، بستری برای همبستگی اجتماعی و پیشگیری از خشونت بود (مطهری، ۱۳۷۹، ص. ۱۰۵).

در دوره‌های بعد، به‌ویژه در دوران شکوفایی تمدن اسلامی، پایبندی به عفاف و ارزش‌های دینی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی استحکام اجتماعی و کاهش انحرافات اخلاقی مطرح شد. در شهرهایی مانند بغداد و قرطبه، که مراکز بزرگ علمی و فرهنگی بودند، توجه به حجاب و عفاف در کنار رونق علمی، فضایی امن برای فعالیت‌های اجتماعی زنان و مردان فراهم می‌کرد (جعفری، ۱۴۰۱، ص. ۴۹). این واقعیت نشان می‌دهد که آموزه‌های دینی در عمل توانسته‌اند امنیت اجتماعی را تقویت کنند و خشونت را به حداقل برسانند.

با این حال، هرگاه جوامع اسلامی از آموزه‌های اصیل دینی فاصله گرفتند، پیامد آن افزایش آسیب‌های اجتماعی و گسترش خشونت بوده است. نمونه آن را می‌توان در برخی دوره‌های تاریخی مشاهده کرد که به‌دلیل ضعف نظام تربیتی و کم‌توجهی به عفاف، نرخ جرایم اخلاقی و نزاع‌های اجتماعی افزایش یافت (رحمانی، ۱۴۰۲، ص. ۹۲). این امر نشان می‌دهد که آموزه‌های دینی تنها در حد توصیه‌های اخلاقی باقی نمانده‌اند، بلکه کارکردی عملی و پیشگیرانه در برابر انحطاط اجتماعی دارند (کریمی، ۱۳۹۸، ص. ۱۲۱).

از این رو، تجربه تاریخی جوامع اسلامی شاهی روشن بر این واقعیت است که هر زمان آموزه‌های قرآنی و روایی درباره عفاف، حجاب و تربیت دینی مورد توجه قرار گرفته‌اند، جامعه به سوی انسجام، امنیت و کاهش خشونت حرکت کرده است. برعکس، غفلت از این ارزش‌ها، بستری برای بروز اختلافات، خشونت و حتی فروپاشی اجتماعی فراهم آورده است. بنابراین بازخوانی تاریخ اسلامی می‌تواند الگویی راهبردی برای جامعه امروز باشد تا از ظرفیت آموزه‌های دینی در کاهش خشونت اجتماعی بهره‌گیرد (باقری و بابایی، ۱۳۹۳، ص. ۷۵).

عباسی نشان می‌دهد که در طول تاریخ جوامع اسلامی، رعایت عفاف و حجاب با کاهش خشونت اجتماعی و افزایش انسجام خانواده‌ها همراه بوده است (عباسی، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۵). هرگاه آموزه‌های دینی در جامعه جدی گرفته شده، سطح امنیت و اعتماد اجتماعی افزایش یافته و تنش‌ها کاهش یافته است. این تجربه تاریخی تأکیدی روشن بر نقش عملی حجاب و عفاف در پیشگیری از آسیب‌ها و خشونت اجتماعی محسوب می‌شود و می‌تواند به عنوان الگویی راهبردی برای جامعه امروز مورد استفاده قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

بر اساس مباحث مطرح‌شده، می‌توان نتیجه گرفت که حجاب و عفاف تنها به عنوان تکلیف فردی یا ظاهری معنا نمی‌شوند، بلکه کارکردی اجتماعی و پیشگیرانه نیز دارند. این ارزش‌ها با ایجاد چارچوب‌های روشن برای روابط انسانی، از بسیاری از سوءتفاهم‌ها، تنش‌ها و زمینه‌های خشونت جلوگیری می‌کنند و به شکل‌گیری روابط سالم و ایمن در جامعه یاری می‌رسانند. رعایت حجاب و عفاف نه تنها مانع از بروز آسیب‌های اخلاقی می‌شود، بلکه با تقویت حیا، اعتماد متقابل و احترام متقابل میان افراد، بستری برای کاهش نزاع‌های خانوادگی و اجتماعی فراهم می‌آورد. از این رو، می‌توان گفت که عفاف و حجاب حلقه اتصال میان امنیت روانی فرد و سلامت جمعی جامعه هستند.

از سوی دیگر، تجربه تاریخی امت اسلامی نشان داده است که هرگاه آموزه‌های دینی در زمینه حجاب و عفاف جدی گرفته شده، جامعه از آرامش، انسجام و امنیت بیشتری برخوردار بوده است و هر زمان این ارزش‌ها به حاشیه رانده شده‌اند، پیامدهایی چون افزایش خشونت، فروپاشی خانواده و تضعیف همبستگی اجتماعی نمایان گشته است. بنابراین نتیجه‌گیری نهایی این است که توجه به حجاب و عفاف نه یک امر صرفاً فرهنگی، بلکه ضرورتی اجتماعی و امنیتی است که می‌تواند در دنیای امروز نیز راهگشای بسیاری از چالش‌های ناشی از خشونت، بی‌اعتمادی و گسست اجتماعی باشد.

منابع

قرآن کریم

۱. احمدی، لیل. (۱۴۰۲). حجاب و کارکردهای اجتماعی آن در جامعه معاصر ایران. فصلنامه مطالعات زنان، ۲۰(۱)، ۳۳-۵۷.
۲. باقری، محمد، و بابایی، زهرا. (۱۳۹۳). نقش حجاب و عفاف از دیدگاه قرآن و جهان اسلام. همایش ملی فرهنگ عفاف و حجاب.
۳. عباسی، رضا. (۱۳۹۸). بررسی تاریخی جایگاه عفاف و حجاب در تمدن اسلامی. مجله تاریخ اسلام، ۱۹(۲)، ۱۰۱-۱۲۴.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۰). وسائل الشیعه. قم: انتشارات اسلامی.

5. خسروی، مریم. (۱۴۰۰). نقش آموزه‌های قرآنی در تقویت حیا و پیشگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی. مجله پژوهش‌های قرآنی، ۲۶(۲)، ۷۵-۹۴.
6. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
7. زارع، علی. (۱۴۰۱). حجاب و امنیت روانی زنان در جامعه شهری ایران. فصلنامه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۷(۴)، ۴۵-۶۷.
8. جعفری، سید. (۱۴۰۱). خانواده سالم و پیشگیری از خشونت‌های اجتماعی. مجله پژوهش‌های اجتماعی، ۱۲(۳)، ۴۵-۶۰.
9. کریمی، حسن. (۱۳۹۸). تحلیل جامعه‌شناختی نقش حجاب در امنیت اجتماعی زنان. فصلنامه مطالعات اجتماعی، ۱۰(۲)، ۱۱۵-۱۳۵.
10. موسوی، فاطمه. (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی عفاف در متون اسلامی و کارکرد آن در کاهش خشونت‌های اجتماعی. مجله اندیشه دینی و جامعه، ۱۴(۳)، ۲۳-۴۸.
11. نعمتی، حسین. (۱۴۰۰). نقش ارزش‌های دینی در کاهش خشونت‌های اجتماعی: تحلیل جامعه‌شناختی. مجله جامعه‌شناسی دین، ۱۲(۲)، ۸۵-۱۰۹.
12. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۹). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
13. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۹). مسئله حجاب. تهران: صدرا.
14. شریف رضی، محمد. (۱۳۷۸). نهج‌البلاغه. قم: دارالکتب الاسلامیه.
15. تمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۳۷۳). غررالحکم و دررالکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
16. مقالات. (۱۳۹۰...). پوشی در معنا و مفهوم حجاب؛ معنی عفاف (حوزه)؛ عفاف در قرآن با نگاهی به روایات؛ گستره عفاف به گسترده‌ی زندگی.
17. رحمانی، علی. (۱۴۰۲). پوشی در معنا و مفهوم حجاب. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی.